

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۲۰ دسامبر ۲۰۲۰

رفعت حسینی
ارسالی: سلیم سلامت

خزعبلاتی در باره اعظم رهنورد زریاب

وبسایت بی بی فارسی برای افغانستان گاهی بدل میشود به یک وسیله برای انتشار واهیات در پیرامون ادبیات افغانستان . مانند یاهو بی در ستایش اشعار لطیف ناظمی. نویسنده، عبدالله شادان، در آن نیشته، ناظمی را بحیث شاعر { مهمی } رنگ آمیزی نموده بود. من به صفت جیره خوار ناچیز فرهنگ میهنم افغانستان چنین فریاد می زنم:

« اگر سروده های لطیف ناظمی اشعار خجسته و شایسته، برابر به معاییر ادبی لسان پارسی و درونمایه های هنر شعر و فرهنگ مدنی / انسانی پذیرفته شود، من دگر هرگز شعر پارسی نخواهم خواند» .

واکنون، نویسنده دیگری، خسرومانی، اعظم رهنورد زریاب را در مقاله «شمعی در شبستان» ، با پف، برستاره مریخ بالا برده است و او را در ادبیات داستانی افغانسان، بنیانگذار داستان مدرن، تخیل و گمان کرده و نعره می کشد:

«در تاریخ ادبیات افغانستان رهنورد زریاب به چندین و چند دلیل نویسنده مهمی است. در این میان اما مهمترین مورد نقشی است که او در بومی سازی داستان مدرن جهان داشت» .

پرسش های خیلی بجای من از خسرومانی اینهاست:

یک/

بومی سازی داستان مدرن جهان، یعنی چی و چی صیغه است و کدام مفهومی را در ادبیات جهان منکشف و دنیای نامنکشف جغرافیای زبان پارسی، افاده و تفسیر و تشریح می کند؟

[بومی سازی داستان مدرن جهان] ، با پنداری که من دارم، خیلی غیرعقلانی می باشد و برهانی وجود ندارد که خردمندان نیز آنرا بفهمند و بپذیرند.

یک نویسنده افغان مثل رهنورد زریاب، را با { کدام کار و چی شهکارش } در تمامی سالهای نویسنده‌گی اش، میتوان مدعی شد که: داستان مدرن جهان را بومی ساخته است. خسرومانی در جایی دگر متذکر می شود: «تاریخ ادبیات داستانی در افغانستان با رهنورد زریاب آغاز نمی شود، تاریخ ادبیات داستانی مدرن چرا. ما به یمن کار او از یک طرف با صادق هدایت و خوانش نه چندان دقیق او از کافکا آشنا شدیم و از سوی دیگر با داستایفسکی» .

دو/

من به نمایندگی از خانواده قلم افغانستان، از خسرو مانی پرسشی دیگر دارم: عقل چی گونه رهنورد زریاب را نویسنده [[برای]] باشندگان افغانستان بداند در حالی که زریاب در ۴۲ سال پسین، حتی یک جمله، در باره بیدادها و تباهی ها و کشتارها و فساد های معنوی و مادی خاد/اگسا/کام/شورای نظار/طالبان و مجاهدین اسلامی ننوشت. وقتی نویسنده و شاعر از درد های کنونی مردم خویش و سرزمینش ننویسد، چسان، خسرومانی!، چسان و چسان او شمع شبستان کشورش می باشد؟ گلنار و آینه رهنورد آینه کنونی یا گذشته افغانستان نیست.